



نظام امامت

طرح تشکل در اسلام

نماز جماعت گردهم آیی پرشکوه و

مظهر تشکل اسلامی

می شنوم ولی کسی را پیدا نمی کنم که مرا به مسجد بیاورد تا با شما نماز جماعت بخوانم . رسول خدا (ص) فرمود : از خانه خود تا مسجد طنابی بکش و موقع نماز طناب را بگیر و از راه آن طناب خود را به جماعت برسان :

" عن ابي عبد الله (ع) قال : همّ " رسول الله يا حراق قوم في منازلهم " كانوا يصلون في منازلهم و " لا يصلون الجماعة فأتاه رجل " اعمى فقال يا رسول الله انسى " ضرب البصر وربما اسمع النداء و " لا اجد من يقودني الى الجماعة " والمطلة معك فقال له النبي (ص) " شد من منزلك الى المسجد حبلا " واحضر الجماعة . "

(جامع الاحاديث ، ج ۶ ، ص ۳۹۶)

و نیز از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود : به امیرالمؤمنین علی (ع) خبر دادند که عده ای به نماز جماعت مسجد حاضر نمی شوند . امام (ع) خطابهای ایراد نمودند و در ضمن آن چنین فرمودند : گروهی هستند که در مسجد برای نماز با ما حاضر نمی شوند ، این گروه با ما مسلمانان هم غذا نشوند و با ما مشورت ننمایند و با ما رابطه از دواج برقرار نکنند و از بودجه ما نگیرند مگر اینکه در جماعت ما حاضر شوند . پس از سخنرانی امام (ع) مسلمانان از آن گروه کناره گیری کردند ، با آنها هم غذا نشدند ، به آنها همسر ندادند و از آنها همسر نگرفتند تا اینکه به جماعت مسلمانان حاضر شدند :

" عن ابي عبد الله (ع) : ان امير - " المؤمنین (ع) بلغه ان قوما " لا يحضرون الصلاة في المسجد "

جماعتها حاضر نمی شدند به کفر مخصوصی تهدید شده اند .

از رسول خدا نقل شده است که آن حضرت به گروهی (که از جماعت مسلمین کناره گیری داشتند) فرمود : یا در مسجد حاضر گردید یا خانه را به روی شما آتش می زنم : " قال رسول الله لقوم : لتحضرن " المسجد اولاً حرقن عليكم منازلکم "

(جامع الاحاديث ج ۶ ، ص ۳۹۶)

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود : رسول خدا (ص) تصمیم گرفت افرادی را که در منزل نماز می خواندند و به جماعت حاضر نمی شدند به کفر برساند ، در این بین مرد نابینائی آمد و عرض کرد : چشمهای من نابینا شده است و چه بسا صدای اذان را هم

نماز جماعت بالاترین مظهر تشکل در جامعه اسلامی و یک گردهم آیی پرشکوه و همیشگی است نماز جماعت در نمازهای واجب در هر حال مستحب است و هر کسی واجد شرائط امامت باشد می تواند امام باشد و مردم به او اقتدا نمایند ولی مهمترین جماعتها که در بلاد اسلامی برپا میشده جماعت والیان بوده و اکثر مسلمانان به جماعت آنها حاضر می شدند . به طور کلی جماعت در اسلام بسیار پراهمیت شمرده شده و تاکید شده است که مسلمانان به نماز جماعت حاضر شوند و نسبت به آن بی اعتنا نباشند ، مخصوصاً جماعتهایی که به امامت پیشوایان اسلام برپا می شده حضور در آن لازم تر بوده است و افرادی که به آن

" فخطب فقال : ان قومالا يحضرون
" الصلاة معنا في مساجدنا
" فلمايو اكلونا ولا يشاربوننا ولا -
" يشاروننا ولا يناكحوننا ولا يأخذوا
" من فيثنا شيئا او يحضروا معنا
" صلاتنا جماعة ... قال فامتنع
" المسلمون عن مؤاكتهم و
" مشاربتهم وناكحتهم حتى حضروا
" الجماعة مع المسلمين "

(جامع الاحاديث ، ج ۶ ص ۳۹۵)
احاديث ياد شده كه حاكي از سختگيري و شدت عمل نسبت به متخلفين از جماعت است مورد آنها نماز شخص رسول خدا (ص) و اميرالمؤمنين علي (ع) بوده است و با توجه به احاديث ديگر و اصل مستحب بودن نماز جماعت چنين بنظر مي رسد كه اين سختگيري نسبت به كساني بوده كه به منظور اظهار بي اعتنائی ، به نماز پيشوايان و زمامداران اسلامي حاضر نمي شدند و كناره گيري آنها علاوه بر بي اعتنائی به شان جماعت ، جنبه مخالفت و كارشكني سياسي نيز داشته است (والله العالم) .

فضيل وزاره مي گويند : از امام (ع) پرسيدم آيا نماز با جماعت واجب است ؟ امام (ع) فرمود : اصل نماز واجب است اما تشكيل جماعت در همه نمازها واجب نيست لكن مستحب است (ولي) كسي كه به منظور روگرداني از نماز جماعت (و بي اعتنائی) به جماعت مؤمنين بدون علت آنرا ترك نمايد نماز ندارد .

" عن زواره و الفضيل ، قالا : قلنا له
" الصلاة في جماعة فريضة هي ؟ فقال :
" الصلاة فريضة و ليس الاجتماع
" بمفروض في الصلوات كلها ولكنها
" سنة ، من تركها رغبة عنها و عن "

" جماعة المؤمن من غير علة
" فلا صلاة له "

(وسائل ، ج ۵ ، ص ۳۷۱)
از رسول خدا (ص) نقل شده است كه فرمود : نيست مؤمنی كه براي قامة جماعت به طرف محل جماعت برود مگر اينكه خداوند سختي ها و هول هاي قيات را براي او تخفيف مي دهد و او را وارد بهشت مي نمايد :

" عن رسول الله (ص) (في حديث)
" فما من مؤمن من مشى الى الجماعة
" الا خفف الله عليه احوال يوم
" القيامة ثم يؤمر به الى الجنة
" (وسائل ، ج ۵ ، ص ۳۷۲)

و از امام صادق (ع) نقل شده است كه فرمود هر كس به اندازه يك شبر از جماعت مسلمين دور گردد ريسان اسلام از كردن او برداشته مي شود :

" عن ابي عبد الله (ع) قال : من
" خلع جماعة المسلمين قدر شبر
" خلع ريق الايمان من عنقه "

(جامع الاحاديث ، ج ۶ ص ۳۹۶)
از احاديث استفاده مي شود كه يكي از مهمترين نشانه هاي صالح بودن افراد حضور آنها در جمعه و جماعت بوده است و اگر مسلماني به جماعت حاضر نمي شد به صالح بودن او شهادت نمي دادند ، بلكه بنا بر مضمون بعضي از روايات يكي از علل تتريع جماعت اين بود بايست كه مسلمانان باديدن برادران خود در مسجد بتوانند به صالح بودن آنها شهادت بدهند .

از امام صادق (ع) نقل شده است كه فرمود : نماز جماعت براي اين مقرر شده است كه معلوم باشد چه كسي اهل نماز است و چه كسي اهل نماز نيست ، چه كسي مراقب وقت نماز است و چه كسي وقت فضيلت را از دست مي دهد ، و اگر اين مطلب نبود (كه معلوم گردد چه فردي به نماز اهميت مي دهد و چه فردي اهميت نمي دهد) براي هيچكس ممكن نبود كه به صالح بودن ديگري شهادت بدهد :

" عن ابي عبد الله (ع) قال : انما
" جعلت الجماعة والاجتماع الي
" الصلاة لكي يُعرف من يحلي ممن
" لا يحلي ، ومن يحفظ مواقيت
" الصلاة ممن يضيع ، ولولا ذلك
" لم يمكن احد ان يشهد على احد
" بصلاح "

(جامع الاحاديث ، ج ۶ ص ۳۹۴)
از رسول خدا (ص) نقل شده است كه فرمود : اگر در باره كسي كه به جماعت حاضر نمي گردد از تو سؤال شود بگو : او را نمي شناسم .
" عن النبي (ص) اذا سئلت عن
" لا يشهد الجماعة فقل لا اعرفه "

(جامع الاحاديث ، ج ۶ ص ۳۹۶)
از مضمون اين حديث استفاده مي شود كه مسلمان در باره صالح بودن كسي كه به جماعت حاضر نمي شود به آساني نمي تواند اظهار نظر نمايد . در مقابل ، افرادي كه مرتب به جماعت حاضر مي شدند معمولا در بين مسلمانان مورد اعتماد بوده اند .

از رسول خدا (ص) نقل شده است كه فرمود : هر كس نمازهاي خود را به جماعت بخواند به او خوش بين باشيد ، وشهادت او را بپذيريد :

" عن رسول الله (ص) انه قال :
" من صلى الصلاة في جماعة فظنوا
" به كل خير واجيزوا شهادته "

(جامع الاحاديث ، ج ۶ ص ۳۸۹)
و از همه روايات ، صريحتر روايتي است كه از رسول خدا نقل شده است كه فرمود : مسلماني كه با مسلمانان در مسجد نماز نمي خواند (و به تنهائي در منزل نماز مي گذارد) اين نماز براي او نماز نيست مگر عذري داشته باشد ، و غيبت هيچ مسلماني جايز نيست مگر كسي كه در خانه خود نماز مي خواند و از جماعت ما روگردان است ، كسي كه از جماعت مسلمانان كناره گيري كند عدالت او ساقط است و بر مسلمانان لازم است كه با او قطع رابطه نمايند و او را كنار بزنند ، و اگر روگرداني او از جماعت به امام مسلمين گزارش گردد امام بايد او را برساند

و او را از این عمل برحذر دارد، و هرکسی به جماعت مسلمین حاضر شود و به حضور خود در جماعت اهمیت بدهد غیبت او حرام است و عدالت او ثابت است. از مجموع روایات باب جماعت به خوبی استفاده می شود که حضور در جماعت بسیار مسرود تاکید بوده و کناره گیری از آن بسیار نکوهیده و ناپسند بوده است.

متن حدیث یاد شده این است:

" عن رسول الله (ص) « لا صلاة لمن "

" لا یصلی فی المسجد مع المسلمین "

" الا من علة، و لا غیبة الا لمن "

" صلی فی بیته و راغب عن جماعتنا "

" و من رغب عن جماعة المسلمین "

" سقطت عدالته و وجب هجرانه، "

" وان رفع الی امام المسلمین انذره "

" و حذرهم من لزم جماعة المسلمین "

" حرمت غیبت و ثبت عدالته "

(جامع الاحادیث، ج ۶ ص ۲۹۲)

مرکز تجمع

نیروهای مؤمن و مخلص

یکی از کارهای مهم و پرفائدهای که از ثمرات شکل و کارهای تشکیلاتی است، جذب و انجام نیروهای مؤمن و مخلص است. کسانی که صحبت از ضرورت شکل می کنند، عمده هدف آنها این است که مرکزی ایجاد شود تا نیروهای مؤمن وفداکار شناسائی شده و گرد یکدیگر جمع شوند تا برای اداره کارها و بردوش گرفتن بارهای سنگین حکومت آماده باشند. این کار نیز در نظام امامت به وجه بهتر سابقه دارد و مرکز تجمع در اسلام، گرد رهبر بوده و طبعاً در شهرها نیز نماینده رهبر عمده دار این کار بوده است.

عدمهای از مسلمانان پاک مانند سلمان فارسی و ابوذر غفاری و بلال و مقداد و مانند آنها از افرادی بودند که اطراف رسول خدا (ص) جمع بودند و تاریخ آنها را از اصحاب آن حضرت بشمار آورده است. هرکس تاریخ اسلام را مطالعه کرده باشد می داند که محور

تجمع نیروهای مؤمن، شخص رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام بوده اند، صحابه رسول خدا (ص) افرادی بوده اند که دهها کتاب در باره آنها نوشته شده و فصل مهمی از تاریخ اسلام را معرفت صحابه تشکیل می دهد. صحابه رسول خدا در تاریخ به نام مهاجر و انصار یاد شده اند. مهاجرین صحابه ای بودند که از مکه و یس شهر دیگر به مدینه هجرت کرده اند و انصار کسانی را گفته اند که در مدینه بمانند حضرت پیوسته اند و همین افراد بوده اند که سخنان رسول خدا را ضبط کرده و اکنون به عنوان حدیث در دسترس مسلمانان قرار دارد.

شیعیان در طول تاریخ به صورت یک حزب منسجم و متشکل بوده و تجمع آنها بر گرد شخص امام بوده است و چون غالباً دستگاه حکومت با آنها در ستیز بوده، بیشتر در حال تقیه بوده اند.

شیوه جذب نیروهای مؤمن

جذب نیروهای مؤمن و شکل آنها کرد رسول خدا به طور طبیعی و به انگیزه الهی بوده است بدین گونه که رسول خدا (ص) مردم را به دین اسلام دعوت می کرد و افراد پس از تشرف به اسلام در محضر رسول خدا قوانین اسلام را فرا می گرفتند و به نصاب جمعه و جماعت حاضر می شدند و بسیاری از آنها و شاید همه آنها در مناسبت های

مختلف با آن حضرت بیعت می کردند و بهمان وفاداری و همکاری می بستند. حضور آنها در جماعت و استفاده مداوم آنها از محضر رسول خدا باعث می شد که بیشتر مجذوب آن حضرت گردند و در این بین افرادی که انس بیشتری با رسول خدا داشتند پایه ایمانی آنها نیز محکمتر می شد و به این کیفیت کسانی که منافق گونه عمل نمی کردند، درجات ایمان و اخلاص آنها برای مسلمانان روشن می شد و خود بخود یک وحدت و تشکل طبیعی گرد رسول خدا بوجود می آمد که از طرفی با استفاده از درسهای رسول خدا آموزش دیده بودند و از طرفی با حضور در جماعت مسلمین و انجام سایر مراسم مذهبی عقیده و ایمان آنها مشخص می شد و در ضمن معاشرت، میزان کارائی و مدیریت آنها نیز بدست می آمد. و این تجمع نیروهای مؤمن که برگرد رسول خدا به طور طبیعی انجام می گرفت بهترین کیفیت جذب و شناسائی افراد است زیرا این افراد غالباً به انگیزه الهی گرد پیامبر (ص) جمع می شدند و از این رو، در بین آنها افراد بسیار مؤمن و فداکاری بودند که در همه جنگها و سختیها آن حضرت را یاری می کردند و پیامبر نیز برای عمده کارهای خود از همین افراد استفاده می کرد، آنها را برای غزوات و سریه ها می فرستاد، سفیران و نمایندگان آن حضرت که به شهرها و بلاد فرستاده می شدند از میان همان افراد انتخاب می شدند. همین طور ائمه معصومین نیز هر یک اصحابی داشتند که با آنها کاری کردند و کار تبلیغ و آموزش دین و نشر احادیث و افکار ائمه علیهم السلام توسط همان اصحاب انجام می گرفت که شرح حال بیشتر آنها در تاریخ آمده است.

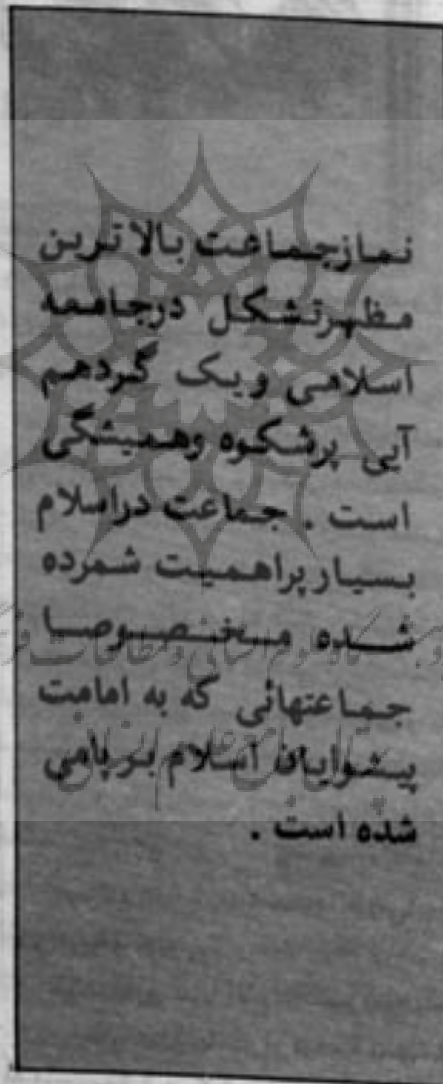
آمار تقریبی اصحاب رسول خدا و ائمه معصومین (ع)

مرحوم شیخ طوسی در کتاب رجال معروف خود اسامی اصحاب رسول خدا و ائمه (ع) را ذکر نموده که آمار تقریبی آنها از نظر خوانندگان می‌گذرد. (و ناگفته نماند که نظر ما تأیید و یا رد هیچیک از نامبردگان نیست بلکه صرفاً نظر ما نقل آماری است که شیخ در رجال خود آورده است) تعداد اصحاب رسول خدا ۴۲۹ مرد و ۳۸ زن بودند و همین افراد بودند که در جنگها شرکت می‌کردند و به کمک رسول خدا آیات وحی را می‌نوشتند و برای اینکه بین آنها وحدت و انسجام کامل باشد پیغمبر (ص) بین بعضی از آنها با بعضی دیگر عقد برادری می‌بست از جمله ابی بن کعب بود که رسول خدا بین او و سعید ابن زید عقد برادری بست و از جمله بشر بن المر بود که بین او و واثق بن عبدالله عقد برادری بسته شد و در جنگ بدر واحد و جنگ خندق و حدیبیه و جنگ خیبر شرکت داشت و از گوشت مسمومی که به رسول خدا دادند او نیز خورد و بنا بر نقلی از همان سم کشته شد. و از جمله ثابت بن زید بود که او یکی از شش نفری است که در زمان رسول خدا قرآن را جمع آوری کرد و از جمله جندب بن جناده ابوذر غفاری و سلمان فارسی بودند که شرح حال آنها معروف است و از جمله زنان اسما بنت عمیس همسر جعفر بن ابی طالب (جعفر طهار) است که با همسر خود جعفر به حبشه هجرت کردند پس از جعفر به ازدواج ابوبکر درآمد و از او محمد ابن ابی بکر را آورد و پس از ابی بکر به همسری علی (ع) درآمد و از آن حضرت

فرزندی بنام یحیی آورد.

اصحاب علی (ع) ۲۳۷ مرد و سه زن بودند که تعدادی از آنها همان اصحاب رسول خدا بودند که بعد از رسول خدا اطراف آن حضرت جمع بودند.

اصحاب امام حسن (ع) ۴۰۰ چهل مرد و یک زن بودند که تعدادی از آنها همان اصحاب علی (ع) بودند از جمله میثم تمار، آن شخصیت معروف که بدست عبیدالله زیاد کشته شد و از جمله کمیل بن زیاد نخعی بود که دعای او معروف است (حضرت امیر (ع) آن دعا را به او آموخت) و از جمله رشید هجری است که او نیز از اصحاب علی



(ع) بوده و از اصحاب امام حسین و امام سجاد نیز بشمار آمده و سرانجام عبدالله زیاد دستها و پاها و زبان او را قطع کرد و او را به شهادت رسانید.

اصحاب امام حسین (ع) ۶۵ مرد و یک زن بودند که تعدادی از آنها همان یاران امام حسن (ع) بودند از جمله همان یک زن است که فاطمه دختر حبابه و البیهاست که از اصحاب امام حسن (ع) بوده و تعدادی از آنها مانند حبیب بن مظاهر و زاهر بن عمرو و دیگران با آن حضرت در کربلا به شهادت رسیدند.

اصحاب امام سجاد (ع) ۱۷۰ مرد و یک زن و اصحاب امام باقر (ع) ۴۶۳ مرد و دو زن و اصحاب امام صادق (ع) ۳۱۵۲ مرد و ۱۲ زن و اصحاب امام کاظم ۳۴۰ مرد و یک زن و اصحاب حضرت رضا (ع) ۳۳۷ مرد و اصحاب امام جواد (ع) ۱۱۱ مرد و دو زن و اصحاب حضرت هادی (ع) ۱۸۹ مرد و یک زن و اصحاب امام عسکری (ع) ۱۰۲ مرد بودند. در بین این افراد تعدادی از آنها با ائمه علیهم السلام تماس بسیار نزدیک و انس بیشتری داشتند و از محضر آنها بیشتر استفاده می‌کردند و در نشر احادیث و افکار ائمه سهم بیشتری داشتند و در بین آنها نیز افرادی بودند که تعداد کمی روایت نقل کرده‌اند و همکاری آنها با امام در نشر فرهنگ اسلام کمتر بوده است.

به هر حال شیعیان در طول تاریخ به صورت یک حزب منسجم و متشکل بوده و تجمع آنها برگرد شخص امام بوده‌است و چون غالباً دستگاه حکومت با آنها در ستیز بوده بیشتر در حال تقیه بوده‌اند و کارهای خود را مخفیانه انجام می‌دادند و بهمین علت بعید نیست که بعضی از اصحاب خاص ائمه نیز در تاریخ ناشناخته مانده باشند و آمار آنها بدست ما نرسیده باشد و هر کس با کتب رجال آشنا باشد می‌داند که بعضی از ائمه علیهم السلام که در شرایط آزادتری بودند، در شهرها نمایندگان داشتند که مردم در کارهای مربوط به امام به آنها مراجعه می‌نمودند و خود آنها محور تجمع روایات احادیث و نیروهای فدایان شیعه بودند.

ادامه دارد